

پیام سندیکا

# پیام سندیکا

## پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۲۸ / سال سیزدهم / آذرماه ۱۴۰۲ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



ILNA PHOTO

Photo: Mehdi Nasiri



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۲۸ سال سیزدهم / آذر ۱۴۰۲ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۷

یكشنبه های اعتراض! ص ۲۱

درگیری در کانون بازنشستگان تهران! ص ۲۳

بی خاصیت هایی به نام پیمانکار! ص ۲۴

وقاحت سرمایه داری هار! ص ۲۵

هم سرنوشتان بی صدا! ص ۲۶

یا بگو بله، یا اخراجی! ص ۲۷

به باد نیلوفر حامدی ص ۲۸

روایت شاعرانه ص ۲۹

انقلاب سبز در میدان جمهوری پاریس ص ۳۱

انسانیت ص ۳۵

در این روزگار تختی ها بسیار نادرند! ص ۳۶

شعر ص ۳۷

سندیکاهای کارگری! ص ۳۹

قابل توجه شهروندان محترم ص ۴۰

بازگشت بردگان به اقتصاد جهانی ص ۴۳

پنج سوال از استfan هاو کینگ دانشمند ص ۴۶

# پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

[vsyndica@gmail.com](mailto:vsyndica@gmail.com)

[s\\_felezkar@yahoo.com](mailto:s_felezkar@yahoo.com)

[gmail.com@sfelezkar1961](mailto:gmail.com@sfelezkar1961)

[www.sfelezkar.com](http://www.sfelezkar.com)

[irunionmessenger@gmail.com](mailto:irunionmessenger@gmail.com)

هیات تحریریه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس [sfelezkar.com](http://sfelezkar.com) و

کانال رسمی سندیکا در تلگرام به آدرس

#کانال\_رسمی\_سندیکای\_کارگران\_فلز\_کار\_مکانیک\_ایران

مراجعة کنید

## اعتراض به بی حرمتی و دستگیری و زندانی کردن بازنشستگان توسط نامدیران کانون تهران!

۱- روز دوشنبه ۲۷ آذر در محل کانون بازنشستگان گردهمایی و اعتراض مدنی می‌نماییم ۲- نسبت به حقوق در خط‌گرسنگی، اعتراض و خواهان حقوق بالای خط فقر هستیم که هم اکنون بالغ بر ۳۰ میلیون تومان است ۳- نسبت به کالایی شدن درمان و بهداشت و دیگر امور عمومی از جمله آموزش اعتراض خود را اعلام می‌کنیم ۴- دولت باید تمامی زیان‌ها به سازمان تأمین اجتماعی را جبران و حداقل ۹۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی خود را بپردازد ۵- عدم اعتراض هر بازنشسته به معنای اتحاد با اختلاسگران و ضربه به همه بازنشستگان، خود و خانواده اش می‌باشد.

جمعی از بازنشستگان، روزهای یکشنبه هر هفته جهت کسب حقوق بالای خط فقر و درمان رایگان و مکفی گردهمایی آرام و مسالمت آمیز مقابل کانون بازنشستگان نموده و ضمن همفکری با یکدیگر، اقدام به جمع‌آوری امضاء جهت اعتراض به برنامه خانه خراب کن هفتم که طی آن حقوق بازنشستگان را که هم اکنون یک سوم خط فقر است را ۲۰٪ افزایش داده؛ در حالیکه تورم کالاها بالای ۵۰٪ و تورم مواد خوراکی ۷۰٪ می‌باشد، آنان اقدام به جمع‌آوری امضاء از بازنشستگان برای تحویل به وزارت کار می‌نمایند. ضمناً جویای اقدامات نامدیران کانون می‌شوند. بازنشستگان در ۱۲ آذر ماه جاری نیز طبق روال به کانون بازنشستگان مراجعه کردند، اما مورد تهاجم و بی‌حرمتی دو نامدیره جیره خوار و ضدبازنشسته و ضدکارگر کانون قرار گرفتند. بازنشستگان را به اتاق رئیس کانون آقای دهقان کیا برده و فوراً با اطلاع به پلیس و با طرح شکایت در کلانتری آنها را دستگیر نموده و سپس به دادسرای اوین فرستادند و آنان از تحویل خودداری و مجدداً در کلانتری آنها را در بازداشت نگه داشتند.

این بی‌حرمتی و بی‌حقوقی در شرایطی به تمامی بازنشستگان انجام‌گرفته که همگی از افزایش دره عمیق بین حقوق خود و سطح زندگی و افزایش مستمر فقر و فلاکت و همچنین عدم توانمندی درمان و دارو در فشار و رنج و فشار شدید به

سر می برند. در شرایطی که خط فقر به ۳۳ میلیون تومان رسیده، بازنشستگان بطور متوسط ۹ میلیون حقوق می گیرند، اکثریت بازنشستگان در معرض بیماری‌های شدید و نیستی زودرس می رسند؛ که می بایست نصیب غارتگران، رانت خواران و اختلاسگران و مقامات بی مسئولیتی که با بی کفایتی تنها به ب فکر انباشت سرمایه ها برای خانواده خودشان هستند، گردد. زیرا آنان عامل تمامی فقر و فلاکت و هرج و مرج موجودند. کارگران بازنشسته که سازنده تمامی کالاها، سازه ها و ساختمان ها و جاده و سدها و ... بوده اند امروزه در معرض از بین رفتن خود و خانواده شان بجهت نداشتن قدرت خرید بجهت کمبود کالری و فقدان درمان و بهداشت و دارو و نداشتن یک زندگی در شأن خود هستند، زیرا در خط گرسنگی و در معرض نسل کشی برنامه ریزی شده قرار گرفته اند.

ما بازنشستگان با سکوت و بی تفاوتی خود در کنار رانت خواران و اختلاسگران و ظالمان و بر علیه سلامتی و وجود خود و خانواده هایمان قرار خواهیم گرفت. اما وجدان مسئولیت و کاری و شرافت دفاع از حقوق انسانی در وجودمان هست که از هم طبقه ای ها و خانواده و سلامتی و حق زندگی سالم آنها دفاع و حمایت کنیم. لذا روز دوشنبه ۲۷ آذر ماه ساعت ده صبح بصورت مدنی و مسالمت آمیز در مجاور پارک دانشجو در چهارراه ولیعصر - انقلاب در محل کانون بازنشستگان تهران گردهمایی نموده و برخاست حقوق و زندگی در خط رفاه نسبت به بی حرمتی‌های آنها که بعنوان مدیر کانون و نماینده بازنشسته و در واقع همدست نیروهای رانت خوار و سرکوبگر هستند اعتراض خود را بصورت مدنی اعلام می نماییم. امضاء کنندگان:

**اتحاد بازنشستگان/ بازنشستگان متحد/ اتحاد بازنشستگان ایران/  
بازنشستگان تامین اجتماعی کرج/ بازنشستگان و مستمری بگیران  
تامین اجتماعی اصفهان و سراسر کشور/ سندیکای کارگران  
فلزکارمکانیک ایران/ کانون گفتگوی بازنشستگان/ فعالان معلمان  
بازنشسته : محبوبه فرحزادی - نصرت بهشتی**

## هفتاد سال اتحاد، مبارزه، پیروزی!

۱۶ آذر ۱۳۳۲ نقطه عطفی در تاریخ آزادیخواهی و دانشجویی ایران است. روزی که ۳ فرزند برومند زحمتکشان سکوت گورستانی کودتا را شکسته، فریاد «مرگ بر شاه/ مرگ بر دیکتاتور» را سر دادند. محمدرضای دیکتاتور با ذبح این فرزندان ایران زمین در مقابل نیکسون، نماینده سرمایه داری جهانی، صنعت نفت و مقدرات کشور را به امپریالیسم آمریکا سپرد تا از نوکریش مطمئن و او را برای خیانت هایش حمایت کنند.

خون این سه جان باخته آزادی و عدالت در سراسر این سالها همچنان فریادگر «نه به دیکتاتوری» بوده است. دانشجویان هیچگاه ارتباط خود را با پدران مبارزانشان قطع نکرده و همگام با جنبش کارگری برای بهبود و آبادانی ایران زمین تلاش کرده اند. دانشجویان می دانند که کارگر فردا بوده پس اتحاد میان جنبش کارگری و دانشجویی یک اتحاد همیشگی باید باشد. این اتحاد به ویژه در مقطع بهمن ۱۳۵۷ و آغاز یورش برای سرنگونی نظام عقب مانده شاهنشاهی از دانشگاه رقم خورد و به تمام کشور سرایت کرد و دانشگاه را به جایگاه اصلی خود که پراکندن آگاهی و جایگاه اندیشه بود رساند. پس از انقلاب مردمی بهمن، دانشگاه و دانشجویان نشان دادند که محیط دانشگاه چگونه می تواند محل تعلیمی برای همه مردم باشد. ساواکی های چهره عوض کرده، لیبرال های سه سه بار غلط کرده، مرتجعین به اصطلاح انقلابی همگی از این وضعیت دانشگاه ناراضی بوده و تاکنون هستند. آنان دانشگاه را محلی برای دانشجویان سر به زیر و مطیع می خواهند نه پرسشگر و مبارز.

دانشجویان، این فرزندان زحمتکشان در ۷۰ سالگی «اتحاد، مبارزه، پیروزی» همچنان با محدودیت و فشارهای سیاسی، صنفی روبرو هستند. زندان، بازداشت، محروم نمودن از تحصیل و پرونده سازی هدیه مافیای زر و زور و تزویر، به این فرزندان خلق است.

مجریان نئولیبرالیسم در داخل کشور به مهاجرت نخبگان دانشجویی دامن زده و کشور را تهی از اندیشمندان می خواهد تا گاری تفکر شکسته خود را بی دردرس

برانند. در آن سوی آبها هم سردمداران نئولیبرالیسم با نشان دادن بهشتی که بر روی استثمار نیروی کار بنا شده است دانشجویان مهاجر را فریفته و به آنان القا می‌کنند فقط این سیستم جاودانی است تا به کشور خود برنگشته و در این کشورها مانند دیگر اندیشمندان مهاجر از کشورهای دیگر، به چرخ دنده سیستم ظالمانه سرمایه داری تبدیل شوند.

### چرا مافیا از جنبش دانشجویی می‌هراسد؟

چوان این جوانان اینارگر، پیشاپیش جنبش آزادیخواهی و در کنار زحمتکشان برای آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی بدون تزلزل، با مافیای خیمه زده در اقتصاد، سیاست، فرهنگ می‌رزمند.

زنده یادان مصطفی بزرگ نیا، احمد قندچی، مهدی شریعت رضوی با خون خود این پیام را به آیندگان دادند که: «دشمن، ملی‌گرا و دغدغه مند زحمتکشان را با یک گلوله می‌کشد و برایش فرقی نمی‌کند تو کیستی؟ همانقدر که منافعش را به خطر می‌اندازی باید محو شوی. او آزادیخواهان و برابری خواهان را می‌کشد. بدون تفاوت گذاری در اندیشه‌های متفاوتشان»

همه بهبود خواهان باید این پیام ۱۶ آذر را آویزه گوش کرده به اتحاد در مقابل دشمن مشترک بیاندیشند و به آن عمل کنند. هر چیزی که به این اتحاد لطمه می‌زند را باید کنار گذاشت و هدف اصلی را که آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی است را فراموش نکرد.

یاد همه شهدای جنبش دانشجویی گرامی

**اتحاد، مبارزه، پیروزی، شرط اصلی مبارزه با سرمایه داری است.**

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۱۶ آذر ۱۴۰۲**

## روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان گرامی باد!



هر ساله این روز یادآور خشونت هایی است که بر زنان دنیا به لحاظ عرفی، قانونی، نژادی اعمال می شود. امسال در حالی که پیشواز این روز می رویم که خشونت سازمان یافته نظامی از سوی دولت اسرائیل علیه زنان در غزه، وجدان بشریت را به درد آورده است. کشته شدن بیش از ۶ هزار زن و کودک در غزه بخشی از جنایت علیه بشریت و خشونت دولتی علیه زنان در باریکه غزه است.

به گزارش سازمان ملل ۵۵ درصد قتل ها در سراسر جهان توسط اعضای خانواده و یا شریک زندگی صورت می گیرد. بطور متوسط روزانه ۱۱۳ زن و دختر توسط یکی از نزدیکان خود کشته می شوند تازه اینها آمار اعلام شده است و آمار قتل های اعلام نشده بیش از اینهاست.

در کشور ما خشونت علیه زنان بسیار عریان و عادی به شمار می رود. کودک همسری، فروش دختران جوان به کشورهای عربی، استفاده از زنان و دختران زیبا در صنعت مدلینگ و کاهش سن فحشا به زیر ۱۵ سال به دلیل سیاست های سرمایه داری و در نتیجه افزایش فقر، از موارد خشونت سازمان یافته علیه دختران و زنان در جامعه ماست. در حال حاضر در میهن عزیزمان ایران فقط در زندان اوین بیش از ۵۰ زن زندانی وجود دارند که بخشی از خشونت دولتی علیه زنان به شمار می رود.

بحث پوشش اجباری و کشته شدن زنان و دختران در اعتراض به این موضوع در یکساله اخیر که به صورت سازمان یافته اعمال شده و می شود، از مصادیق بارز خشونت علیه زنان می باشد. از تجاوز محارم به زنان و دختران هیچ آماری در دست نیست. کشته شدن زنان در قبایل و طوایف به امری عادی تبدیل شده است و دادگستری در این خصوص کمترین میزان مجازات را در نظر می گیرد. مردسالاری در سیستم مدیریت کلان جامعه و اجرای سیاست های نئولیبرالیستی در اقتصاد ضربات جبران ناپذیری به نیمی از جمعیت کشور زده است. گرانی و فقر باعث محروم شدن بخش بزرگی از جامعه زنان از آموزش و درمان گشته و به فحشا و تکدی گری دامن زده است. خشونت در محل کار با نبود محل تعویض لباس، تبعیض در دستمزدها برای کار یکسان، و اداشتن زنان به کارهای خدماتی اضافه بر کار محوله، توهین و نگاه های خطا کارانه بخش بسیار کوچک از خشونت در محل کار زنان است.

برای مبارزه با چنین امری نه تنها خانواده بلکه سازمان های مردم نهاد باید پا پیش بگذارند و به آموزش مردم بپردازند. انتظار داشتن از نهادهایی که زیر سلطه مافیای زر و زور و تزویر هستند، امید عبثی است.

هر چند که مردم ما طی یکسال اخیر در جنبش ژینا با از دست دادن فرزندان برومند خود گام های بلندی را در راه مبارزه با خشونت علیه زنان برداشت اما هنوز کافی نیست و این همت مردان جامعه را می طلبد که در خانه، محل کار، جامعه و از همه مهمتر در سازمان های مردم نهاد حضور یافته و علیه این خشونت همگام با مادران، همسران، دختران و خواهران خود متحد شده و مبارزه کنند.

یاد همه عزیزان جان باخته در راه محو خشونت علیه زنان گرامی باد

همگام باد مردان و زنان علیه خشونت سازمان یافته و خانگی

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران



## گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

### ۱- سرما در ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، سیستم گرمایشی کارخانه ذوب آهن برای گرم کردن کارگران بیش از ۶۰ درصد خراب بوده و کارگران و کارکنان اداری در محل کار دچار سرمازدگی شده اند. با توجه به فرسودگی لوله ها، شیرها، هواسازها، و سایر تجهیزات مرتبط با سیستم گرمایشی کارخانه که نیاز به ترمیم و بازسازی دارند، شوربختانه تاکنون هیچ دستورالعملی برای رفع این مشکل نه تنها صادر نشده است بلکه هیچ درخواست خرید و یا واکنشی در این خصوص از سوی مدیریت مشاهده نمی شود. این در حالی است که در تابستان باید این مواد گزارش، برنامه ریزی و خرید تجهیزات صورت می گرفت و در تابستان تعمیرات نیز انجام می گردید تا به فصل سرما نکشد. با آنکه ذوب آهن از سودهای نجومی برخوردار است اما در خصوص تعمیر و نگهداری های این چینی فاقد برنامه بوده و مدیران خود را به حماقت می زنند.

## ۲- اعتصاب در ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با هماهنگی که از هفته های قبل در تمامی قسمت ها توسط فعالین ذوب آهنی شده بود، کارگران توانستند با یک تصمیم جمعی ۵ آذر را برای هشدار به مدیریت انتخاب کرده و تمامی بخش های کوره بلند، مکانیک نت، ریخته گری، فولاد سازی، کنورتور، الگراسیون، حمل و نقل، بخشی از کارکنان اداری، امروز از گرفتن نهار خودداری کرده به رستوران نرفتند. خواسته های کارگران که از سال گذشته شکل جدی به خود گرفت اجرای طبقه بندی مشاغل بود که با اضافه کردن ۵ میلیون تومان به حقوق کارگران، مدیریت تلاش کرد به وعده خود که قرار بود تا آخر سال گذشته طبقه بندی مشاغل را اجرایی کند، را به فراموشی بسپرد. کارگران امروز طی نامه ای به مدیریت اعلام کردند که این اعتصاب غذا فقط یک هشدار بود تا مدیریت به خود آید و طبقه بندی مشاغل را اجرا کند در غیر این صورت اعتصاب نه تنها همه بخش های خدماتی بلکه تولیدی و کوره ها را نیز در بر خواهد گرفت. طبق اعلام مدیریت طی شش ماهه اول امسال ۶۰ درصد تولید افزایش یافته و همچنان هلدینگ های ذوب آهن به سودهای افسانه ای دست یافته اند اما از دادن دستمزدهای مناسب به کارگران خودداری می کنند.

## ۳- قابلیت مدیریت ذوب آهن!؟؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مدیریتی که می تواند سودهای افسانه ای و ساخت ریل ملی را برای ذوب آهن به ارمغان بیاورد آیا نمی تواند برنامه ریزی دقیقی در مورد سیستم تعمیر و نگهداری شرکت داشته باشد؟ سیستم گرمایشی قسمت ها به دلیل اختلاف شرکت ذوب آهن و شرکت «مهندسی و پویش ساخت» از سال سوم قرارداد به ترمیم و بازسازی سیستم گرمایشی نمی پردازد و به همین دلیل باید کارکنان سرما زده بشوند. از سوی دیگر در مورد بازسازی و نوسازی سرویس های بهداشتی شرکت نیز به دلیل نداشتن پیمانکار مربوطه همچنان کثیف و ناکارآمد مانده است. مدیریتی که در سطح به روز رسانی دستشویی ها نیست و فقط به فکر بهره کشی از کارگران برای سودرسانی به مافیاست باید هم در مورد این پیمانکاران سخت گیر نباشد و خطای آنان را زیر سبیلی رد کند چون خود همدست پیمانکار است و برای کارگران ارزشی قایل نیست.

## ۴- خروش قدرتمندان ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، از شروع اولین ساعات کاری، کارگران در یک تصمیم جمعی که هفته گذشته اتخاذ شده بود در رژه ای به یاد ماندنی و با بهم پیوستن بیش از ۲ هزار کارگر قسمت های مختلف که از چندین نقطه شروع شده بود، مقابل ساختمان مرکزی

ذوب آهن تجمع کردند. کارگران شعارهایی در راستای اجرا نشدن طبقه بندی مشاغل، کمی دستمزد و همسان سازی حقوق ها همتراز با دیگر شرکت های فولادی و بی عرضگی مدیران دادند. سخنرانان تاکید جدی داشتند که: «موش و گربه بازی در مورد اجرای طبقه بندی به پایان رسیده و مدیریت بداند که ما در این مورد بسیار جدی هستیم» مدیریت منابع انسانی که برای خاموش کردن اعتراضات آمده بود با شعار: «نظامی خواب آلود دیگر اثر ندارد» مواجه شد. البته هفته قبل بعد از اعتصاب غذای کارگران، دیدارهای مرتبی توسط مدیریت منابع انسانی با بسیج کارخانه و حراست صورت گرفته بود. در کارخانه های بزرگی چون ذوب آهن از همان ابتدای تاسیس نظامیان بازنشسته به کار گرفته می شدند که تا امروز ادامه دارد. بی تردید در روزهای پیش رو اتفاقات دیگری در ذوب آهن خواهد افتاد اگر گوش شنوایی برای خواسته های کارگران پیدا نشود.

## ۵- اعتصاب در ذوب آهن ادامه دارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران ذوب آهن اصفهان در پی اجرایی نشدن خواسته های خود از جمله طبقه بندی مشاغل، برای دومین روز در محوطه کارخانه و مقابل ساختمان مرکزی دست به تجمع نشسته زدند. کارگران از اول ساعت کاری تا ساعت ۱ بعدازظهر دست از کار کشیدند. آوردن گارد ویژه در حین سخنرانی نه تنها کارگران را مرعوب نکرد بلکه در پایداری خواسته های خود مصمم تر نمود. ارسال پیامک های تهدیدآمیز که از روز جمعه شروع شده بود همچنان ادامه دارد و کارگران تهدید به اخراج و پرونده سازی می شوند. دیروز شب تعدادی از کارگران به دفتر حراست فراخوانده شدند و به آنان گفته شده که دست از اعتصاب و تجمع برداشته و دیگران را تبلیغ به اعتصاب نکنند. هرچند تا ارسال این خبر کسی دستگیر نشده اما خبرها حاکی از پرونده سازی و ارسال به دوایر امنیتی است. کارگران همچنان بر خواسته های خود از جمله طبقه بندی اصولی، همسان سازی حقوق با سایر شاغلین در کارخانه های فولادی تا قبل از عید هستند. تعداد زیادی از کارگران تا آخر سال بازنشسته خواهند شد که طبقه بندی و همسان سازی باعث افزایش مستمری آنان خواهد گردید.

## ۶- ذوب آهن در تلاطم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز کارگران بخش های زیادی از کارخانه ذوب آهن به سرکار رفتند، ولی کار نکردند. کارگران در اعتراض به برداشته شدن کارت ورود همکارانشان و همچنین دستگیری مسعود اسپینانی از اتوماسیون مخابرات، و حاج محمودی از بخش خرید تجهیزات، از کار کردن خودداری نمودند. حاج محمودی افشا کننده فساد

مدیریت و عوامل پیدا و پنهان ذوب آهن در بخش های خرید و فروش داخلی و بین المللی و انبارهاست. امروز بخش های مکانیک نت، الگومراسیون، ریخته گری، فولادسازی، کنورتور،



کار نکرده و سایر بخش ها هم با ۵۰ درصد نیرو فعال بود. گفتگو با مدیریت برای آزادی حاج محمودی و اسپییانی و برداشته شدن منع ورود ۱۲۰ کارگر ادامه دارد.

## ۷- کارگر ذوب آهن حقش را می خواهد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، تعداد دستگیری ها از ۲ نفر شب قبل فراتر رفته و تعداد کارت های ورودی برداشته شده کارگران از کارت زنی به بیش از ۲۰۰ نفر رسیده است. کارگرانی که هر روز صبح در مقابل درب کارخانه تجمع می کنند تا تعیین تکلیف بشوند. حراست به آنان گفته در خانه بنشینند تا از طرف کارخانه اطلاع رسانی در مورد وضعیت شان بشود. مدیریت با این ترفند تلاش می کند اعتصاب نشسته کارگران در بخش های نت مکانیک، اتوماسیون مخابرات، الگومراسیون، ریخته گری، فولاد، کنورتور را کنترل و کارگران را با تهدید به سرکار بکشانند. کارگران شرط شروع کار را آزادی دستگیر شدگان و برگشت کارگرانی که کارتشان برداشته شده است را خواستار شده اند، و این موارد را در پائل های قسمت ها چسبانده اند. مدیریت می گوید: «بازداشت افراد توسط نهادهای امنیتی صورت گرفته و خارج از قدرت مدیریت می باشد» کارگران تهدید شده اند اخبار مربوط به اعتراضات را به بیرون کارخانه نبرند. با این شرایط فعلاً توازن قوا به نفع کارگران است و سندیکای کارگران فلزکار مکانیک امیدوار است که کارگران بتوانند از این توازن قوا و اتحاد صورت گرفته به نفع خود استفاده کنند.

## ۸- کارگران ذوب آهنی در حال مذاکره!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شایعاتی در میان کارگران رواج دارد که حاکی است در روز سه شنبه ۱۴ آذر هنگامی که ماموران گارد ویژه و حراست کارگران اعتصاب را از راهپیمایی و تجمع باز داشتند و در کارت زنی کارت کارگران فعال در اعتصاب برداشته شد، کارگران کوره بلند شماره ۳ با مطلع شدن از این رخدادها در ساعت ۸:۳۰ صبح کردند. آنان پس از اتمام خروج مذاب، مجرا را باز گذاشته که موجب نشر گرد و غبار در فضای کارخانه گردید. این هشدار بود برای مدیریت تا دست از لجاجت برداشته و حق قانونی کارگران را که حق اعتصاب است را به رسمیت شناخته اجرای طبقه بندی مشاغل را آغاز کند. همچنین در اولین گام کارگران بازداشتی و کارت برداشته را به کار برگرداند. کارگران همچنان در حال مذاکره با مدیریت کارخانه برای اجرا شدن خواسته های گفته شده، هستند. اوضاع در بخش های دست از کار کشیده همانند روزهای گذشته است و تغییری ننموده است.

## ۹- عدم پاسخگویی مدیریت ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با اعتراضات صورت گرفته هفته قبل در ذوب آهن اصفهان و اعلام خواسته های کارگران مبنی بر اجرای طبقه بندی مشاغل موارد بعدی را نیز به خواسته های خود اضافه کرده اند از جمله آزادی دستگیر شدگان، برداشته شدن منع ورود کارگرانی که کارت ورود به کارخانه ندارند، توقف پرونده سازی برای کارگران فعال در اعتصاب، برگشت حراست از محیط کارگاهها به محل استقرار خود و عدم دخالت در مسایل کار و کارگری. مدیریت نیز از طریق روابط عمومی و مدیریت منابع انسانی به کارگران پیام داده است که نمایندگانشان را برای گفتگوی رو در رو معرفی کنند. در پاسخ کارگران خواهان برگزاری تریبون آزاد در فضای کارگاهها با حضور مدیران، برنامه ریزی جهت اجرای برنامه های مناظره، شفاف سازی وضعیت مالی شرکت به صورت فصلی به کارکنان گشته اند. البته موارد بالا در صورتی تحقق خواهد یافت که مدیریت ابتدا دستگیر شدگان و اخراجی ها را به کار برگردانده باشد. در نوشته های چسبانده شده در پتل های اطلاع رسانی توسط کارگران، مهلت چند روزه ای برای اجرای خواسته ها به ویژه آزادی دستگیر شدگان داده شده است.

دیروز برای اربابانمان می زیستیم، بیایید فردا برای خودمان و آزادیمان  
بمیریم. *مارکوس گلادیاتور*



## ۱- فشار کار در ایران خودرو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با تایید کمیته سخت و زیان آور کارخانه ایران خودرو ۱۵۶ نفر دیگر بازنشسته می شوند. با آنکه در گزارش قبلی هم عنوان کردیم که با خروج نیروهای بازنشسته شده از خطوط تولید و خدمات، جایگزینی برای آنان صورت نمی گیرد و این باعث بر هم خوردن بالانس نیرو در خطوط تولید می شود و کار این دوستان بازنشسته شده به دوش کارگران شاغل می افتد. مدیریت اعلام کرده است: «تا آخر سال استخدامی صورت نمی گیرد» و این به معنای این است که کارگران باید با شدت بیشتری کار کنند و مسولیت ۳ هزار کارگر بازنشسته طی دو سال اخیر را به دوش بکشند. کارگران خواستار: «افزایش سرانه اضافه کار برای توازن نیرو در خطوط» هستند. این در حالی است که در واحد های پشتیبان نیروی جدید جذب می شود. مدیریت منابع انسانی ایران خودرو می گوید: «طبق برنامه ریزی های صورت گرفته و تحلیل نیاز واقعی سازمان در هر واحد صورت گرفته و به نوعی تسهیم شده تا شرکت با توجه به ماهیت تولیدی خود به سمت بهینه ترین ترکیب انسانی حرکت کند» معنای این حرف ها به زبان ساده این است که در خطوط تولیدی کارگر به نحو کامل بهره کشی نمی شود و سود رسانی کامل نیست لذا باید استخدامی صورت نگیرد تا کارگر حسابی عرقش در بیاید. ننولیبیرالیسم یعنی این که یک کارگر باید به جای چند نفر کار کند. حالا با این شیوه این کارگر چه صدمات روحی، روانی و جسمی را باید تحمل کند و با این شرایط چقدر عمر می کند، به کارفرما مربوط نیست. فعلن هم که سن بازنشستگی به ۶۲ سال رسیده است.

## ۲- آیا غذا با کیفیت می شود!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با گزارشات چندین ساله سندیکای فلزکارمکانیک در مورد بی کیفیت بودن غذاها در ایران خودرو، آغاز غربالگری کبد و گوارش کارکنان ایران خودرو از ۴ آذر آغاز گردید. کارگران ایران خودرو مدتهاست در مورد تغییر لیست غذاها و افزایش

غذاهای رژیمی به مدیریت کارخانه فشار می آورند. طبق گزارشات خبرنگاران مستقر در ایران خودرو نگرانی کاری، فشار بیش از حد سرعت کار در خطوط تولیدی، بی کیفیت بودن غذاها و سودجویی پیمانکار رستوران دست به دست هم داده و باعث گسترش و تشدید بیماری های گوارشی در این کارخانه شده است. اتحاد کارگران ایران خودرویی و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران موثر واقع شد تا با پایداری و پیگیری آنان مدیریت مجبور شود از پژوهشگران پژوهشکده علوم پزشکی دانشگاه شهید بهشتی دعوت کند و آنان با استقرار در این کارخانه غربالگری را آغاز کنند. امیدواریم بیماری های گوارشی و به ویژه سرطان از این کارخانه رخت بربندد و تندرستی کارگران حاصل آید.

تن هیچ کس به ناز طبیبان محتاج مباد .



### ۱- گزارش تخلف در شرکت نفت!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، متن زیر توسط کارگران شرکت نفت برای ما ارسال شده است. «لطفا این مطلب را در کانال بذارید تا حق کارکنان پتروشیمی های منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر خورده نشود. با اینکه وکیل گرفتیم و دادستان رای به نفع ما صادر کرده ولی آقای تقوی رییس متخلف اداره کار از اجرای قانون امتناع می کنند.

موضوع : گزارش تخلف عدم پرداخت مطالبات معوقه پرسنل رسمی شرکت نفت منطقه ویژه ماهشهر

با سلام، احتراماً به استحضار میرساند با توجه به خصوصی شدن شرکت های پتروشیمی تابعه شرکت نفت تحت عنوان هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس که در حال حاضر مدیرعامل آن آقای دکتر علی عسگری هستند می بایست محاسبات حقوق کارکنان رسمی شرکت نفت از تاریخ سی و یکم خردادماه ۱۳۹۲ طبق قوانین اداره کار معین و مقرر می گردد که

برخلاف قوانین اداره کار و ضوابط موجود و پس از ارائه شکایت حدود دو هزار نفر رسمی شرکت نفت طبق حکم پیوست به حدود پانصد نفر حکم صادر و مبالغ محاسبه شده توسط حسابرس های معتمد اداره کار و دادگستری پرداخت گردید و مبالغ به حساب پرسنل واریز شده است. اما برخلاف قانون و به خاطر فشار نهادهای حاکمیتی و امنیتی بر علیه دیگر پرسنل خدوم شرکت نفت که دادخواستی به جز مطالبات معوقه ده ساله خود مطالبه ای نداشتند متأسفانه جفا شده و جناب آقای سید هادی تقوی رییس متخلف اداره کار منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر اعلام کرده اند هیچ مبلغی پرداخت نخواهد شد کسبانی هم که رای قطعی صادر شده « پرسنل رسمی شرکت پتروشیمی بندر امام خمینی - که حکمشان پیوست این ایمیل شده است» مبالغ واریزی به حسابشان به عنوان بدهکار تلقی شده و مبلغ از حقوق ماهیانه جاری یا از حقوق بازنشستگی آنها کسر خواهد شد. در صورتیکه حق و حقوق پرسنل پتروشیمی های فجر، تندگویان بخشی از پرسنل بندر امام و پتروشیمی اروند هنوز به حق خود نرسیده اند و با ترمرد و تخطی از قانون جناب آقای سید هادی تقوی اعلام نموده اند تحت هیچ شرایطی رای و حکمی به نفع پرسنل صادر نخواهند کرد که این مصداق بارز تخلف از قانون اداره کار است»

## ۲- پر پر شدن جوانان غواص تا کی؟؟؟



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بابک بهاروند غواص منطقه سکوی سیری به دلیل اشتباه اداره تعمیرات، جان عزیز خود را از دست داد. این کارگر غواص به دلیل عدم تعریف شرح کار استاندارد در عمق دریا و استفاده از سیستم mixed gas به جای سیستم غواصی اشباع، جانش را از دست داده و خانواده ای به دلیل این اشتباه داغدار شدند. چه جان ها و جوان هایی که یا به طبیعت کار در صنعت نفت و یا اشتباه تصمیم گیران پر پر شدند و جامعه



بی خبر ماند. با بهانه های امنیتی و یا سرپوش گذاری بر اشتباهات محرز و امضای پرمیت های ناایمن، از انتشار اخبار ناکام ماندن جوانان آرزو به دل و امیدوار به آینده، خودداری می کنند و همه چیز را عادی جلوه می دهند. این ضایعه دردناک را به خانواده ی بابک عزیز و سایر دوستان و همکاران تسلیت می گوئیم. روحش شاد و یادش تا ابد زنده و گرامی باد. شرکت نفت فلات قاره از انتشار این حادثه و جان باختن بابک بهاروند خودداری کرده است.

### ۳- شرکت نفت بی پول است؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت پالایش و پخش لوله شرکت نفت حقوق کارگران و کارمندان خود را با تاخیر پرداخت می کند. کارگران خواستار شفاف سازی این تاخیر حقوق در شرکت هستند. کارگران می گویند: «ما همه اول هر ماه باید اقساط و چک های خود را پاس کنیم با این تاخیر، روال زندگی ما بهم می خورد. آیا پرداخت حقوق و مختل نکردن بهداشت روانی کارگران و خانواده هایشان این قدر برای شرکت نفت سخت است؟ مگر شرکت نفت بی پول است؟». تا تنظیم این گزارش ۴ آذر ماه هنوز کارگران و کارکنان حقوق خود را دریافت نکرده اند.

سندیکا: طبق قانون کار پرداخت حقوق کارگران به سه روش روزانه، هفتگی، یا ماهانه است و هیچ تعویقی قانونی نیست. شرکت پالایش و پخش خط لوله که قلب شرکت نفت است با این کار می خواهد بهداشت روانی کارگران را بهم بریزد تا کارگران این بخش به سمت مطالبه گری نروند.

### ۴- پالایشگاه آبادان در اعتصاب!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، روز چهارشنبه ۱۵ آذر ۲۰۰ کارگر ارکان ثالث پالایشگاه آبادان تجمع اعتراضی در مقابل فرمانداری آبادان برگزار کردند. این کارگران که به عقب افتادن دستمزدهای خود و موضوع مغایرت لیست بیمه شان اعتراض داشتند فریاد: «وزیر بی لیاقت نمی خوایم نمی خوایم» سر داده و خواستار پیگیری وضعیت استخدامی خود شدند. شایعات در مورد افراد سفارش شده که با دستور مستقیم مدیر عامل پالایشگاه تبدیل وضعیت شدند، به این اعتراضات شدت بخشیده است. خواسته های کارگران اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل، صدور نفت کارت و بن کارت، دریافت تسهیلات کم بهره همانند کارگران رسمی و قراردادی و همکاری در ایجاد تعاونی مسکن هستند. متأسفانه از فرمانداری و مدیریت پالایشگاه کسی برای گفتگو با معترضین نیامد و کارگران ساعاتی بعد به اعتراض خود خاتمه دادند.



کارکنان به شدت ادامه دارد و مدیریت فلات قاره با بی‌اعتنایی به این خواسته‌ها و اعلام معاون نیروی انسانی نفت که: «مجلس تکلیف شما را مشخص کرده است» تلاش دارند این نیروها را دلسرد کنند اما بیانیه‌ای که امروز ساعت ۱۰ صبح از سوی این کارگران صادر شده است بیانگر پافشاری این کارکنان بر روی خواسته‌های خود است.

## ۷- جنبش مطالبه‌گری کارکنان رسمی شرکت نفت فلات قاره بهرگان

با عنایت به انعقاد قرارداد استخدامی فیما بین کارکنان و شرکت ملی نفت ایران و با امعان نظر به اینکه حقوق کارکنان مزبور حاصل افزایش‌های قانونی ناشی از مصوبات دولت و مجلس بوده ولیکن متأسفانه بعد از وایرال شدن موضوع حقوق‌های نجومی مدیران ستادی غیرنفتی در دهه نود، قانونگذاران به جهت فقدان درک صحیح از شرایط سخت و ویژه کار اقماری در مناطق عملیاتی نفتی، سقف حقوق را بر کارکنان مظلوم و دور از خانواده مذکور نیز روا داشته‌اند که این موضوع موجبات بی‌انگیزگی شغلی، نارضایتی شدید کارکنان خط مقدم تولید نفت و گاز کشور گردیده که در صورت عدم رفع ظلم آشکار موصوف، این موضوع تبعات منفی سنگینی برای تولید، ذخیره‌سازی و صادرات نفت و گاز کشور به عنوان منبع اصلی منبع ثروت کشور خواهد داشت. فلذا کارکنان منطقه نفتی بهرگان در تاریخ هفدهم آذر ۱۴۰۲ روز جمعه و قبل از شروع ساعت کاری نسبت به حضور یکپارچه در محل اداره مرکزی منطقه مذکور اقدام نمودند که خلاصه مطالبات ایشان به شرح ذیل می‌باشد: ۱- حذف کامل سقف حقوق مناطق عملیاتی نفتی ۲- حذف تبعیض میان کارکنان عملیاتی در سقف پرداخت و برداشتن عناوین پشتیبانی و اصلی تخصصی. ۳- استرداد مالیات مکسوره از کارکنان عملیاتی نفتی. ۴- عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق‌های ورشکسته ۵- حذف سقف پاداش پایان خدمت و پرداخت کامل سنوات کارکنان. ۶- اجرای کامل ماده ده و پرداخت معوقات. ۷- اصلاح کف حقوق کارکنان اخیرالاستخدام آزمونی

□ جنبش جمعه‌های اعتراضی کارکنان منطقه نفتی بهرگان تا حصول تک‌تک خواسته‌های یادشده ادامه دارد.

## ۸- نفتگران نمی‌هراسند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مسوولین شرکت نفت فلات قاره برای خاتمه دادن به تجمعات اعتراضی کارکنان به جای حل کردن مشکلات کارگران به فعالان اعتراضات اخطار کرده‌اند در صورت ادامه یافتن تجمعات به هیات‌های بدوی رسیدگی به تخلفات اداری معرفی کرده تبعات سختی برایشان در پی خواهد داشت. مدیران در تلاشند با پاک کردن صورت مساله و وادار کردن کارکنان به اتخاذ روش‌های دیگر جهت نشان دادن اعتراض خود که می‌تواند

مسالمت آمیز نباشد و زیانش در درجه اول به شرکت فلات قاره برسد، آنان را خشمگین کرده از آب گل آلود ماهی بگیرند. کارگران با هوشیاری و خرد جمعی تاکنون توانسته اند راه فرار مدیران فلات قاره را بسته و خواسته های به حق خود را به گوش دیگر کارگران و کارکنان نفت رسانده آنان را به یاری و حمایت خود بطلبند.



## ۱- اعتصاب در پتروپالایش!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۰ دیماه کارگران پتروپالایش کنگان با عقب افتادن حقوق ها و وعده های توخالی مدیران دست به اعتصاب زده و به خوابگاههای خود رفتند. این کارگران از مهرماه تاکنون حقوق خود را دریافت نکرده و وعده های مدیران هم همه پوچ از آب درآمده است. کارگران می گویند: «کارفرما پول دارد اما نمی خواهد دستمزد کارگران را بگیرد، تا زمانی که حقوق تسویه نشود سرکار نخواهیم رفت» به کارگران بارها گفته ایم وقتی سر ماه حقوق نگرفتید دست به کار شوید نه بعد از دوماه بی حقوقی. از سوی دیگر کارگران شرکت استیم پتروشیمی اسلام آباد نیز از شهریور تاکنون حقوق خود را دریافت نکرده اند. کارگران هم در یک اقدام جمعی از ورود سرپرست نالایق حامد شهریور و مدیر پروژه نالایق تر نیما امین زاده به کارگاه جلوگیری کردند. مدیران شرکت استیم کارگاه را به حال خود رها کرده به دنبال زد و بند با پتروشیمی هستند تا آنچه می توانند را بیش از مبلغ کارگردشان از پتروشیمی گرفته و به جیب زده و کارگران و کارگاه را به امان خدا رها کنند. از سوی دیگر کارگران با تلاش کارگاه را فعال نگه داشته و با فرستادن نماینده خود و مذاکره با مدیران پتروشیمی سعی می کنند دریافت دستمزد خود را از باقی مانده حساب شرکت استیم تامین کنند. شرکت استیم به دنبال به تعطیلی کشاندن کارگاه است و کارگران تمام سعی خود را می کنند این اتفاق نیفتد.

## ۲- کارگران فراسکو هم اعتصاب کردند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت درریز به پیمانکاری رستم جهانگیری که زیر مجموعه شرکت فراسکو است از شهریور ماه حقوق کارگران پروژه ای خود را نپرداخته و کارگران ۳ ماه عقب افتادگی حقوق دارند به همین دلیل کارگران روز پنجشنبه ۲ آذرماه دست به اعتصاب زده به خوابگاههای خود رفتند. شرکت درریز که عازم پروژه ای در اصفهان است به کارگران پیام داده که شرکت فراسکو باید حقوق شما را پرداخت کند. رییس کارگاه درریز آقای مهندس شیرانی و پیمانکار رستم جهانگیری امروز جمعه تلاش کردند کارگران را راضی به کار کرده تا روز یکشنبه ۵ آذر حقوق ها پرداخت شود. کارگران فردا شنبه به سرکار خواهند رفت و منتظر روز یکشنبه خواهند بود تا چنانچه قول داده شده تحقق نیافت به اعتصاب خود ادامه دهند .

سندیکا: کارگران نباید بگذارند تاخیر در حقوق از یک روز هم بیشتر عقب بیفتند و از همان روز اول محکم کاری کرده کارفرما بدانند نباید حقوق کارگر را عقب انداخت.

## در کارخانه رینگ سایپا چه می گذرد؟



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارخانه رینگ سایپا تولید کننده رینگ لاستیک ماشین واقع در شهر خرمشهر با دارا بودن ۵۰۰ کارگر از بخش های پرس، ریخته گری، انبار، اداری، حراست، آبکاری، تراشکاری تشکیل شده است. کارگران این کارخانه با مسایل متعدد کارگری روبرو هستند از جمله تعلق نگرفتن سخت و زیان آور بودن کار در این شرکت. در بخش هایی چون آبکاری، تراشکاری، پرس، ریخته گری که از قسمت های تعریف شده در

موضوع شغل های سخت و زیان آور می باشند نه تنها اجرایی نشده است بلکه در این کارخانه در لیست بیمه فقط نام دو نفر به عنوان دارا بودن شغل سخت و زیان آور به تامین اجتماعی رد می شود. جالب اینجاست که فقط مدیرعامل و آبدارچی شرکت شغلشان سخت و زیان آور توسط مدیرعامل تشخیص داده شده است. در این بین نقش بازرسین سازمان تامین اجتماعی و بازرسین وزارت کار که باید به وظیفه خود که نظارت بر این امور است و به جای نظارت و بررسی فقط چشمان کور شده خود را بر این کثافت کاری ها می بندند و با چشم پوشی از این رفتار غیرقانونی با گرفتن زیرمیزی به وظیفه کاری و انسانی خود خیانت می کنند. بعد وزیر کار، مجلس، رییس سازمان تامین اجتماعی می گویند منابع تامین اجتماعی تراز نیست. خب باید هم ناترازی در این سازمان صورت بگیرد وقتی عوامل به جای پر کردن خزانه سازمان تامین اجتماعی به پر کردن جیب خود مشغولند و روسا هم بر این عمل بنا نپردازند به آن مهر تایید می زنند.

## هجوم به شعب تامین اجتماعی!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، با مصوبات جنجالی و ضد کارگری لایحه هفتم توسعه در مجلس در رابطه با افزایش سن بازنشستگی، هجوم کارگران شاغل ۲۵ سال سابقه به بالا به شعب تامین اجتماعی برای ثبت درخواست بازنشستگی، بی سابقه است. این مصوبه جنجالی و خلاف اصول قانون اساسی نه تنها به افزایش درآمد تامین اجتماعی کمک نخواهد کرد بلکه به افزایش تعداد مستمری بگیرها خواهد افزود.

کارگران شاغل از مصوبات لایحه هفتم توسعه احساس ناامنی کرده به همدیگر پیغام می دهند که دوستانشان معطل نکرده درخواست بازنشستگی شان را هرچه زودتر به بیمه تحویل دهند. وقتی نادانان بر سر کار باشند.

جهانخواره را جیره خوار نیستیم

بیا تا بگویم که ما کیستیم

نه هم نوع را عمر کردن تباه

به دنبال عدلیم وصلح ورفاه

به دنیای آشفته از اغنیا

چنین است آیین و ایمان ما

علی جعفری (کارگر)

## یکشنبه های اعتراض!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۱۹ آذر بازنشستگان در ۹ شهر، اهواز، اراک، مشهد، شوش، کرمانشاه، تهران، اصفهان، رشت، البرز غربی دست به تجمع زدند. در اهواز در دو تجمع جداگانه یکی در مقابل استانداری اهواز و دیگری در مقابل اداره کل تامین اجتماعی برگزار شد. در مقابل استانداری با حضور ماموران امنیتی تجمع مشترکی از بازنشستگان فرهنگی و تامین اجتماعی شکل گرفت که حضور بانوان چشم نواز بود و یک سخنران خانم هم داشت. در این تجمع شعار: «آموزش رایگان، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، حق مسلم ماست/ کشور پر درآمد، دولت بی لیاقت چه بر سر تو آورد/ ما به جز حق نمی خواهیم، صدقه دولت نمی خواهیم» داده شد. در تجمع دیگر: «تامین پر درآمد، چه بر سر تو آمد» شعار بازنشستگان بود. امیدواریم این دو تجمع بهم پیوسته و یکپارچه و متحد به میدان بیایند.

در شوش بازنشستگان در حالی که جمعی از آنان چای پخش می کردند، در مقابل فرمانداری شعار: «چای دیش عالییه، سفره ما خالیه/ ما اشتباه کردیم ما اشتباه کردیم، مملکتو دو دستی تقدیم دزدا کردیم»

در کرمانشاه بازنشستگان لشگری و کشوری تجمع مشترک داشته و شعار: «دولت ورشکسته، دشمن بازنشسته/ لشگری کشوری تامین اجتماعی،

اتحاد اتحاد» و در دست نوشته های خود تغییر اساسنامه کانون بازنشستگان و تشکلی مستقل، را خواستار بودند.

در اراک و مشهد هم بازنشستگان در مقابل اداره تامین اجتماعی گرد آمده و شعار: «درآمد ریالی، هزینه ها دلاریه/ مجلس انقلابی، دروغ میگو حسابی» را دادند.

بازنشستگان فولاد در شهرهای رشت، تهران، اهواز، البرز غربی تجمع کرده و شعار: «چایی دیش و جمع کنید، مشکل ما رو حل کنید/ یه اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه» سر دادند.

در تهران بعد از کلانتری کشتی بازنشستگان توسط هیات مدیره کانون تهران در هفته گذشته، باز هم فعالین در مقابل کانون تجمع سکوت برگزار کردند و با بازنشستگان صحبت می کردند.

تجمع شاغلین در محوطه سکوی نفتی سیری و در آغاچاری در مقابل ساختمان مدیریت و بازنشستگان نفت در مقابل درب شماره ۳ برای همبستگی با شاغلین تجمع کردند. خواسته ها همچون هفته های گذشته: «برکناری مدیران نالایق/ حذف سقف حقوق و محدودیت حق سنوات بازنشستگی/ بازگرداندن مالیات های اضافه گرفته شده/ اجرای ماده ۱۰ و بک پی/ ادغام با صندوق های دیگر بازنشستگی و دستهای ناپاک از صندوق بازنشستگی کوتاه» بود.

در این تجمعات آنچه مشهود است شعارها علیه دولت بیشتر شده است و اختلاس ها بازنشستگان را بیشتر عصبانی نموده و وقتی به سفره های حقیرانه خود نگاه می کنند این فاصله عظیم را حس کرده و به جان می آیند. اما شوربختانه تعداد کل شرکت کنندگان بازنشسته تامین اجتماعی در کل این شهرها به ۲ هزار نفر نمی رسد و این باعث می شود مافیای تجمعات جدی نگرفته به راه خود ادامه دهد. به ویژه آنکه وزیر کار با پررویی تمام اعلام نموده همسان سازی در کار نیست و بودجه ای برایش پیش بینی نشده است.



## درگیری در کانون بازنشستگان تهران!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، هفته گذشته ۱۲ آذر، روز یکشنبه اعتراضی در تهران، زمانی که فعالین بازنشستگان تهرانی برای مراجعه به هیات مدیره کانون بازنشستگان تهران مراجعه کرده بودند تا در مورد همسان سازی که وزیر کار گفته بود تا سه سال قابلیت اجرایی ندارد، در حالی که رییس کانون دهقان کیا اعلام کرده بود که همسان سازی اجرایی خواهد شد به سمت دفتر دهقان کیا روان بودند که آقایان روح بخش و مجیدی از اعضای هیات مدیره کانون با لات بازی و پرخاش و هول دادن بازنشستگان پرسشگر سعی کردند درگیری فیزیکی ایجاد کرده و با توهین به آنان می گفتند: «شما حق آمدن به اینجا را ندارید، شما کار سیاسی می کنید» تلاش کردند در جمع آوری امضا علیه لایحه هفتم توسعه اخلاص کرده و به دعوا بکشاند. با بالا گرفتن درگیری لفظی در نهایت بازنشستگان معترض را به دفتر دهقان کیا هدایت کرده و هیات مدیره با کلانتری تماس گرفته و ۳ نفر از بازنشستگان را به دست پلیس دادند. البته دهقان کیا با پرویی می گفت: «شما نباید روز یکشنبه ها به اینجا بیایید و من جواب سوالات شما را نمی دهم» وقتی پلیس ۳ تن از بازنشستگان را با معرفی روحبخش و مجیدی و دهقان کیا برای سوار کردن به ماشین پلیس می برد، دهقان کیا ریاکارانه می گفت: «نخواهم گذاشت برایتان پرونده تشکیل بدهند» در حالی که اگر راست می گفت اصلن چرا به کلانتری زنگ زده بود.

بازنشستگان با همراهی مجیدی و روحبخش اعضای بی عرضه هیات مدیره کانون که جز خبرچینی و آدم فروشی کار دیگری ندارند، علیه بازنشستگان شکایتی در کلانتری تنظیم و تمام تلاش خود را کردند تا این افراد به اوین فرستاده شوند. افراد شبانه به دادسرای اوین برده شدند و چون از طرف دادسرا این افراد تحویل نگرفتند به کلانتری پس فرستاده شدند. هیات مدیره تمام تلاش خود را کرد تا پرونده ای سیاسی برای این عزیزان درست کند که با هوشیاری رییس کلانتری این امر شکست خورد. در کلانتری با اصرار روح بخش و مجیدی متنی را به بازداشتی ها دیکته کردند که تا این متن را ننویسید و امضا نکنید ما رضایت نخواهیم داد.

ساعت ۱۲ شب بازداشتی ها پس از سپردن تعهد آزاد شده شرافتمندانه به خانه های خود بازگشتند و هیات مدیره بی عرضه و آدم فروش با وجدانی آلوده به لجن به خانه رفتند تا به خانواده هایشان بگویند که مزد بی شخصیتی و الدنگی چگونه فراهم می شود.

بازنشستگان می دانند که اگر هیات مدیره کانون وظایفش را درست انجام می داد امروز بازنشسته ها به خاک سیاه ننشسته بودند. هیات مدیره ای که اعضای معترض خود را به پلیس امنیت و کلانتری معرفی می کند تا مقامات امنیتی را سپر بی عرضگی خود کند تا به لفت و لیس خود برسد را چه می توان نامید؟ بی عرضه؟؟ آدم فروش؟؟؟ الدنگ؟؟؟؟.....؟؟؟؟؟

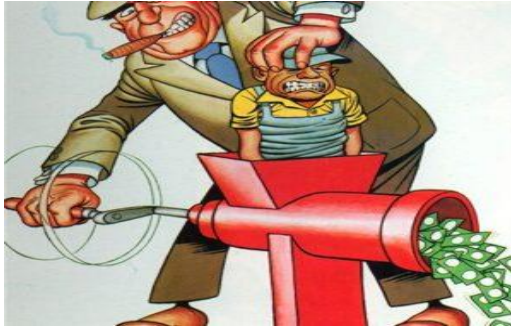
## بی خاصیت هایی به نام پیمانکار!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران و کارکنان قطار شهری مترو از پیمانکاران خود به شدت نفرت دارند. شرایط کاری سخت و دستمزدهای ۸ میلیون تومانی که باید با آن هزینه های کرایه خانه، مخارج مدرسه فرزندان و هزینه های زندگی را پرداخت، به شدت کارگران را شرمسار خانواده و وجدان خود کرده است.

بودن پیمانکار در مترو هیچ مفهومی ندارد چرا که بابت هر کارگر هر ماه مبلغی از مترو گرفته بدون هیچ کار و عمل مثبتی، زحمت کارگران را به جیب می زند و فقط نقش یک دلال را دارد. نه فیش حقوقی به کارگر می دهد و نه قراردادی با کارگر امضا می کند و همه امکانات را مترو برای پیمانکار تامین می کند. از ناظر گرفته تا پول لوازمی که باید فاکتور شود و بعدن از مترو با چند درصد سود همان فاکتور را طلب کند.

زدی از این قشنگ تر و راحت تر در روز روشن پیدا نمی شود.

## وقاحت سرمایه داری هار!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، آگهی زیر نشان دهنده خوابی است که برای زحمتکشان ایران و خانواده هایشان دیده شده است. این آگهی استخدام در شهر کرج محله مشکین دشت در سایت دیوار در تاریخ ۸ آذر گذاشته شده است: «فروشگاههای زنجیره ای پوشاک جین وست در شعبه اکومال کرج جهت تکمیل کادر فروشنده خود از افراد واجد شرایط زیر دعوت به همکاری می کند: ساعت کاری ۴ روز در هفته ۱۰ صبح تا ۱۰ شب، ۲ روز هفته از ساعت ۲ بعدازظهر تا ۱۰ شب. استراحت هفتگی ۱ روز در هفته. مزایا: بیمه از روز اول، ناهار، بیمه تکمیلی، بن خرید، عیدی و سنوات. نوع همکاری تمام وقت. نیاز به سابقه ندارد. دستمزد از ۱۲ تا ۱۴ میلیون تومان. وضعیت سربازی مهم نیست. سن ۸ سال تا ۳۲ سال. شماره تماس ۰۲۹۶۴۰۲۳۳۳۵۰۹۳۳۳۵» در اینگونه آگهی ها نمی گویند پول کامل حق بیمه را از شما خواهند گرفت، ناهار را آخر ماه با شما حساب خواهند کرد، یک روز مرخصی در هفته هم از دستمزدتان کسر خواهد شد، بن خرید و عیدی و سنوات هم با هزار بهانه داده نخواهد شد و یا اگر داده شود طبق قانون کار نخواهد بود. اما موضوع مهمتر که در این آگهی آمده است سن شاغلین می باشد از ۸ سال تا ۳۲ سال.

قانون کار، کار کردن کودکان زیر ۱۶ سال را منع کرده ولی این آگهی به راحتی آن را نقض می کند چرا؟؟؟ چه اتفاقی در کشور دارد می افتد که یک فروشگاه زنجیره ای معروف این چنین بی محابا قانون کار را نقض کرده و به کار کودک

دامن می زند؟؟ دوستان، لایحه هفتم توسعه که در مجلس مصوب و به شورای نگهبان ارسال گردیده است تمامی این موارد را قانونی کرده است. زحمتکشان باید بدانند که چه خطری خانواده و آینده فرزندانشان را تهدید می کند .

## هم سرنوشتان بی صدا!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شهرستان های کرمانشاه و کهگیلویه و بویراحمد به لحاظ رعایت نشدن حقوق کودکان به یک سمبل تبدیل شده اند. فقط در شهرستان دیشموک ۱۷ دختر جوان و نوجوان به دلیل فقر و نداری خود را حلق آویز کرده اند و در آخرین خبر دختر ۱۳ ساله دیشموکی که به تازگی عروس شده بود خود را با چادر عروسی اش حلق آویز کرد.

در ثلاث باباخانی زندگی در چادر، نبود سوخت، نبود آموزش و بهداشت استاندارد، آب آشامیدنی تمیز، جوانان را آنچنان افسرده و از خود بیخود می کند که جاده ای جز مرگ را در آینده و سرنوشت خود نمی بینند.

دخترانی که در خانواده نیز حقوق شان رعایت نمی شود و به دلیل سنت های غلط و رایج، اضافه و سربار خانواده به شمار می آیند.

بی مدیریتی محض مسوولان، سیاست های ضد زن و محروم نگه داشتن این مناطق از دسترسی به حقوق اولیه انسانی، موجب فجایع این چینی شده است.

آیا این دختران در آمار هیچ نهادی وجود دارند؟

هم سرنوشتی اینگونه دختران در کشور و نداشتن هیچ پشتیبان و تکیه گاهی از جمله خانواده آنان را به مرگ خاموش و بیصدا سوق می دهد.

تحریریه پیام سندیکا

## یا بگو بله، یا اخراجی!

محیط‌های کاری ناامن، به شکل گسترده و جدی حقوق اقتصادی زنان را تحت تاثیر قرار می‌دهند. نابرابری قدرت و سواستفاده از آن، چالش هر روزه‌ی بسیاری از زنان شاغل در سراسر دنیاست...

بسیاری از ما شنیده‌ایم زمانی که زنی در موقعیت‌های شغلی به موفقیت می‌رسد می‌گویند «حتما با رئیس/ مدیر خود رابطه داشته است» این عکس‌العمل نه‌تنها نشان دهنده‌ی عادی انگاشته شدن سوء استفاده مقام بالادستی از قدرت، برای وادار کردن افراد به برقراری رابطه‌ی جنسی‌ست، بلکه به جای نقد ساختارها، انگشت اتهام و انگ را به سمت زنان می‌گیرد. این سوءاستفاده از قدرت بخش قابل توجهی از آزارهای جنسی در محیط کار را دربرمی‌گیرد. در این مواقع افزایش حقوق، پیشرفت، ترفیع و تشویق زنان به گروگان گرفته می‌شود و مقام بالادستی با استفاده از قدرت خود این پیغام را به کارمند می‌رساند که «برای دستیابی به حقوقت چاره‌ای جز تن دادن به رابطه با من نداری.»

این موقعیت کارمندان را بر سر دوراهی‌ای قرار می‌دهد که هرگز نباید در آن قرار می‌گرفتند. آن‌ها یا باید به رابطه‌ای که به آن رضایت ندارند تن دهند تا بتوانند به حقوق و مزایایی که می‌خواهند برسند و یا باید بپذیرند که با نه گفتن ممکن است اخراج شوند و یا از ترفیع و افزایش حقوق محروم. به همین دلیل در بسیاری از کشورها در محیط‌های کاری، برقراری رابطه بین مدیر و کارمند و یا حتی پیشنهاد رابطه، ممنوع اعلام می‌شوند مگر اینکه این رابطه با اطلاع منابع انسانی پیش برود. در این شرایط منابع انسانی می‌تواند مانع سوءاستفاده از قدرت بشود و فرد مدیر نمی‌تواند در خفا و پنهانی و با بهره بردن از قدرتش، کارمند را به برقراری رابطه مجبور کند.

محیط‌های کاری ناامن، به شکل گسترده و جدی حقوق اقتصادی زنان را تحت تاثیر قرار می‌دهند. نابرابری قدرت و سواستفاده از آن، چالش هر روزه‌ی بسیاری از زنان شاغل در سراسر دنیاست. وضع آیین‌نامه‌ها و مرام‌نامه‌های مقابله با آزار جنسی، ایجاد فرهنگ سازمانی امن توسط برگزاری دوره‌های آموزشی سالانه‌ی مبارزه با خشونت جنسی می‌تواند گام‌هایی برای نزدیک شدن به محیط‌های کاری امن برای زنان باشد.

سمانه سواد

## به یاد نیلوفر حامدی

گزارشی از نیلوفر حامدی، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان که از ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ در زندان است و به ۱۳ سال حبس که ۷ سال از آن قابلیت اجرا دارد محکوم شده است. این فعالان همواره از خشونت‌های جنسی/جنسیتی نوشته‌اند و بهای سنگینی بابت شرافت و تعهد متحمل شده‌اند.

### برخی منشی‌ها از سوی کارفرما تحقیر می‌شوند اما مجبورند بمانند!

«سمیرا» توانسته چند رفتار زننده را در محل کارش در نطفه خفه کند و کارکردن کنار یک زن وکیل هم امنیت زیادی برایش ایجاد کرده است اما می‌گوید چند باری شاهد رفتارهای زننده از سوی برخی از وکلا بوده است: «متأسفانه در بین برخی از وکلایی که به دفتر رفت‌وآمد دارند، این تصور وجود دارد که به‌واسطه جایگاه شغلی و اجتماعی و درآمدشان، بهترین گزینه برای هر زنی خواهند بود. در نتیجه گاهی به خودشان اجازه می‌دهند که رفتارهای نادرستی داشته باشند. مثلاً یک بار خاطر م هست که یکی از این وکلا موقع خداحافظی و دست‌دادن، من را به سمت خودش کشید که البته من چنان برخوردی کردم که سریعاً خودش را جمع‌وجور کرد. یا فرد دیگری بعد از چندبار رفت‌وآمد به دفتر ما و حرف‌زدن با من، ناگهان در یک گفتگو دستش را روی پهلو من گذاشت. برخی هم سریع شروع می‌کنند به ... زدن و حتی به انگشتر حلقه در دستان من هم نگاه نمی‌کنند.»

سمیرا در پنج سال اخیر کارش دچار مشکل نشده اما دوستان زیادی دارد که هر روز کاریشان به زجر می‌گذرد اما چاره‌ای جز پذیرش اوضاع ندارند: «یکی از دوستانم حتی در آستانه تجاوز هم قرار گرفت اما خوشبختانه مشکلی برایش رخ نداد. شاید باورتان نشود اگر بگویم همان زن هم نتوانسته محل کارش را ترک کند چون به پول این کار نیاز دارد. یا دوست دیگری دارم که متاهل است و کارفرما به او گفته اگر منشی من بشوی، باید همه‌جا با من باشی و در سفرهای کاری نیازهای... من را تامین کنی. دوستم به او گفت که متاهل است و چطور چنین تقاضایی از او می‌کند؟ و جواب شنیده که شرایط کاری من با منشی‌هایم همیشه این‌گونه بوده است. یعنی طرف نه تنها خدمات جنسی را هم جزء شغل منشی در نظر گرفته، بلکه متاهل‌بودن آن زن هم برایش هیچ اهمیتی نداشته است.»

## روایت شاعرانه، «بازار سیاه و سپید»

روزگاری عجیب است

آندی دلها سیاه،

همه بازارها سیاه.

در این اوضاع و غوغا،

بازار سیاه هر کالایی

گران میفروشد.

تنها بازار سیاه کار ارزان میفروشد.

بازار بردگی و خودفروشی نیز،

همچنان زیر قیمت میفروشد.

بازار سیاه یک نمایش

یا مسابقه‌های چنان بازی،

بسی گران میفروشد.

و کار، کالایی بی‌قدر است

از هر چیز ارزاتر میفروشد.

برای کار،

بازار سپیدی بیابید

تا عدالت حکومت کند.

در بازار سپید،

نمایش و مسابقه کمار جند.

کار است که بر صدر مینشیند؛

نه چون بازار سرمایه،

که همه چیز و آدمی را،

زیر قیمت میخرد

بالای قیمت میفروشد.

نهر اسید!

در بازار سپید،

کار نیز گران نمیفروشد.

همترازان یکسان، میخرد

با قدرتان همسان، میفروشد.



## انقلاب سبز در میدان جمهوری پاریس

فرانسوی‌ها را به انقلابی گریشون می‌شناسند. بعد از ۳۳ سال که من مجدداً به پاریس آمدم، با شهر جدیدی مواجه شدم. تحولاتی که در این مدت در این شهر اتفاق افتاده شبیه یک انقلاب است. بیخود نیست که بزرگترین پیمان اقلیمی جهان در این شهر امضا شده است.

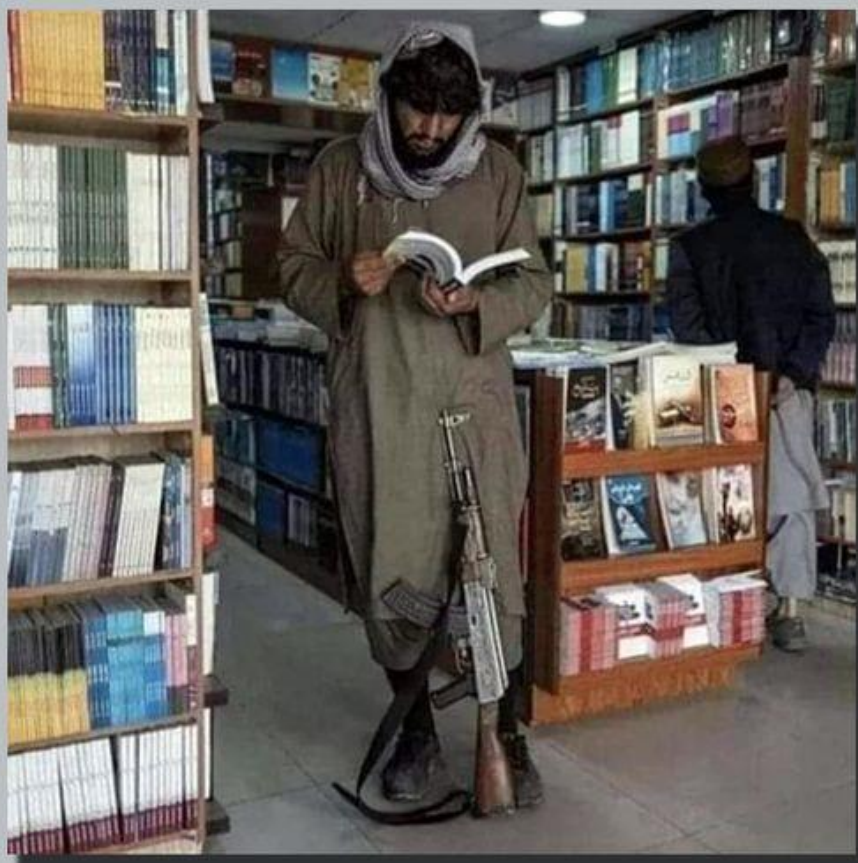
شهردار پاریس با کمک مردم به سرعت شهر را در مسیر یک شهر زیست پذیر، انسان و طبیعت محور تغییر داده است. مردم با انتخاب مجدد خاتم آنه هیدالگو (Anne Hidalgo) شهردار طبیعت گرا و دوچرخه سوار، همراهی خود را از سیاست‌های خودرزدایی از شهر اعلام کردند. شهر پر از خطوط دوچرخه است، نه تنها خطوط دوچرخه اختصاصی، بلکه خطوط ویژه اتوبوس هم با دوچرخه‌ها مشترک شده است. دوچرخه‌های اشتراکی فراوان و بسیار ارزان کل شهر را پر کرده است. خطوط دوچرخه پر از دوچرخه سواران زن و مردی است که کودکان و حتی نوزادان خود را با دوچرخه و سه چرخه در هوای سرد و بارانی پاریس جابجا می‌کنند. پیاده روها به حدی خوب شده که با کاهش عرض خیابان‌ها، شهر را برای پیاده روها، بخصوص افراد کم توان راحتتر کرده‌اند. مسیرهای خودروها بسیار تنگ و سخت شده است. اصلاً خودروسواری در این شهر به کاری قبیح و زشت شبیه است. اکثر پارکینگ‌های کنار خیابانها را جمع کرده‌اند. به جای پارکینگ، محل شارژ خودروهای برقی زیاد شده است. اگر هم پارکینگ باشد اینقدر گرونه که برای چند ساعت پارک گاهی باید تا ۳۰-۴۰ یورو بدهی و یا خودرو را در پارکینگ‌های زیر زمینی و دور از دسترس پارک کنی. محیط‌های طبیعی در حال گسترش است. هدف ایجاد کریدورهای طبیعی و بازسازی محیط‌های زندگی گیاهان خودرو و جانوران خود زی است. جانور هم سگ و گربه ولگرد نیست. حتی یک سگ و گربه ولگرد در شهر وجود ندارد. جانوران همان موجودات خود زی مانند پرندگان هستند که غذای خود را خود تامین می‌کنند.

یک اتفاق عجیب کوچک کردن مسیر و فضای خودروها در اطراف میدانهاست. مثلاً میدان جمهوری که سمبل انقلاب فرانسه است، دچار یک انقلاب بزرگ شده است. میدانی که تا چند سال پیش محل عبور و مرور خودروها بود، الان محل عبور پیاده روها و دوچرخه سوارهاست.

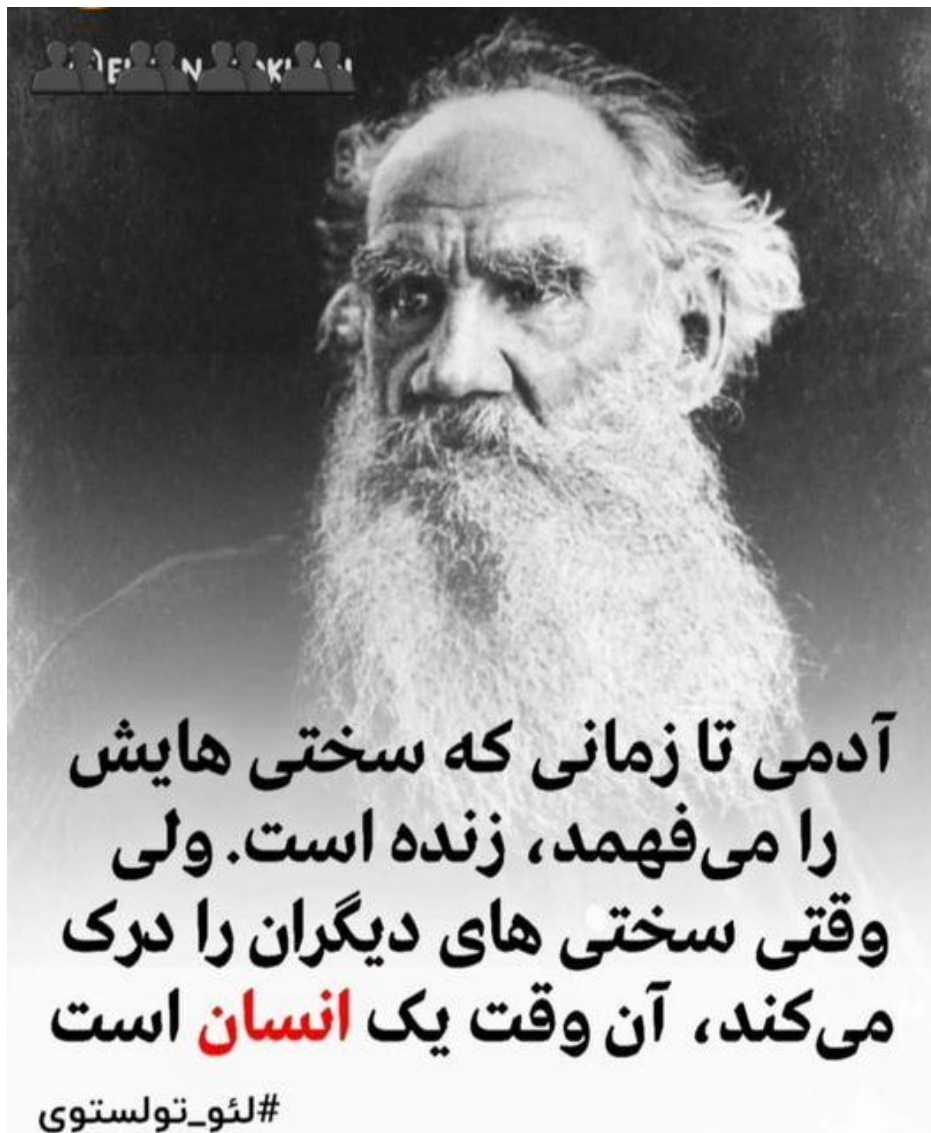
تحوالاتی که من در پاریس دیدم با آنچه در تهران، اراک، اهواز، اصفهان، تبریز و مشهد می‌گذرد از زمین تا آسمان فرق دارد. رویکرد شهرسازی در دنیایی که گرمایش زمین آن را تهدید می‌کند، کاهش مصرف انرژی و عدم استفاده از سوخت‌های فسیلی در حمل و نقل است. محور حمل و نقل پاک هم دوچرخه است که متاسفانه شهرداری‌های ما، نه تنها با آن بیگانه‌اند که گاهی (مانند شهردار فعلی تهران و شورای شهر تهران) با آن در ستیزاند. شهردارهای ما که تا خرخره در سیاست فرورفته، به دور از دانش در راستای منافع بتن‌گرایان و مافیای ساخت بزرگراه، خیابان، پل و زیر گذر دنبال چاله کنی برای به هدر دادن منابع مالی شهرداری‌ها می‌گردند. مدیرانی که ساخت یک باغ گیاهشناسی کوچک در شهر را تحمل نکردند و برجها را بر فراز باغ گیاهشناسی قدیمی علم می‌کنند؛ در حالی که پارادایم جدید شهرسازی کم کردن خودروها و ساده کردن زندگی جهت کاهش آلودگی و حفظ سلامت مردم است. بدون اغراق بگویم که من شاهد انقلاب دیگری در فرانسه بودم، در قرن بیست و یکم و از جنس دیگر. انقلاب‌های جدید در دنیا مدتش عوض شده. در فضای ذهنی مردم ما (چه موافق و چه مخالف دولت) و مسئولین، انقلابی گری تداعی به هم ریختن، درگیری و مرگ بر این و فحش بر آن است. در دنیایی که کابوس گرمایش کره زمین جان کره زمین را در خطر قرار داده است، آرمان‌گرایی مفهوم دیگری دارد.

امروز مرگ بر آمریکا گفتن، با عمل نکردن به رفتارهای مخرب زندگی آمریکایی قرن بیستم معنی دارد. عمل نکردن به رفتار آمریکایی، یعنی مرگ بر خودرو گفتن و زنده باد دوچرخه است! امروز یک انقلابی باید هدفش هوای پاک باشد، هدفش زندگی باشد، یک انقلابی دو آتیشه، فرقی نمی‌کند کدام طرفی، باید شعارش نجات مردم ایران از کابوس آلودگی و ترافیک و رفتارهایی باشد که زندگی را از ما گرفته است. هدف ما باید حذف مدیران و شهرداریانی باشد که صد برابر بدتر از بمب شهرهای ما را آلوده کرده‌اند و جان ما و فرزندانمان را در معرض خطر قرار داده‌اند. ایجاد صنایع آلوده کننده در جهت تامین نیازهای کمپانی‌های غربی و چینی، جنایت علیه مردم خودمان است.

دشمنان ما امروز کسانی جز آلوده کنندگان هوا نیستند. آنهایی که باران سرب و انواع آلاینده‌ها را بر میلیونها ریه می‌ریزند و زیست ما را چنان سخت کرده‌اند تا مردم ما یکی یکی از کشور بروند. ما باید این دشمن را بشناسیم و علیه اش انقلاب کنیم، انقلابی سبز، با آرمان آسمانی آبی



کتاب که بدست بگیری  
مجبوری اسلحه‌ات را  
زمین بگذاری!



آدمی تا زمانی که سختی هایش  
را می‌فهمد، زنده است. ولی  
وقتی سختی‌های دیگران را درک  
می‌کند، آن وقت یک **انسان** است

#لئو\_تولستوی



## انسانیت

دکتر ویکتور فرانکل از معدود کسانی بود که موفق شد از زندان آشویتس در لهستان، معروف به قتلگاه آدم‌سوزی زنده بیرون آید. او در نامه‌ای خطاب به معلمان سراسر جهان برای تمام تاریخ این گونه می‌نویسد:

چشمان من چیزهایی دیده است که چشم هیچ انسانی نباید ببیند؛

من اتاق‌های گازی را دیدم که توسط بهترین مهندسين طراحی می‌شدند؛

من پزشکان ماهری را دیدم که کودکانی معصوم و بی‌گناه را براحتی مسموم می‌کردند؛

من پرستارانی کاربرد را دیدم که انسان‌ها را با تزریق یک آمپول به قتل می‌رسانند؛

من فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را دیدم که می‌توانستند انسان دیگری را در آتش بسوزانند. و مجموع این دلایل مرا به آموزش مشکوک کرد! از شما تقاضا می‌کنم که تلاش کنید قبل از تربیت دانش‌آموزان‌تان، به عنوان یک دکتر یا یک مهندس، از آن‌ها یک انسان بسازید تا روزی تبدیل به جانوران روانی دانشمند نشوند!

پزشک یا مهندس شدن کار چندان دشواری نیست و هرکسی می‌تواند با چند سال تلاش به آن برسد اما به دانش‌آموزان خود بیاموزید که بهترین و بزرگترین ثروت هرکدام از آن‌ها "انسانیت" است که با هیچ مدرک تحصیلی در جهان قابل مقایسه نیست...

## در این روزگار تختی ها بسیار نادرند!

به مناسبت درگذشت جهان پهلوان غلامرضا تختی



از حموم نمره در اومدیم بیرون و نم نم بارون میزد  
 خانمی جوان و محجبه بساط لیف و جوراب جلوش پهن بود  
 رفت جلو بهش سلام کرد و نصف بیشتر لیف و جوراباش رو خرید .  
 تعجب کردم و پرسیدم واسه کی می خری؟ ما که الان از حموم اومدیم بیرون اونم  
 این همه  
 گفت:

تو این سرما از سر غیرتشه که با دست فروشی داره خرچشو در میاره وگرنه  
 الان می تونست تو یه بغل نرم و یه جای گرم تن فروشی و فاحشگی کنه پس بخر  
 و بخریم تا شرف و ناموس مملکتمون حفظ بشه.  
 برگشت تو حموم و صدا زد نصرت اینا رو بذار دم دست مردم و بگو خیراته...  
**برگی از زندگی جهان پهلوان تختی**

## صلح

صلح یعنی عطرِ غذا در شامگاهان

صلح یعنی آن‌که

ماشینی دم درِ خانه‌ات توقف کند

و تو وحشت نکنی

صلح یعنی آن‌که

درِ خانه‌ات کوبیده می‌شود

کسی نباشد، جز یک دوست

یانیس ریتسوس

برگردان: احمد پوری

## قاتل

هر کس

هر کجا

در هر لباس و جا

بازی!

شادی!

و آزادی را!

بگُشد-

کودکی را کُشته است؛

هر کس

هر کجا

با کالایی‌سازیِ خدمات...

بهداشت و آموزش را

از کودکان سلب کند

قاتل است!

هر جا که نان

حتی به کودکان!

به قیمتِ کار عرضه شود...

آنجا

حاکمان-

قاتل‌اند

سطل‌های زباله سلطان

و

استثمار!

آزاد- است. «فلزبان»



## سندیکاهای کارگری!

سندیکا سازمان طبقه کارگر برای مطالبات خواسته های اقتصادی و اجتماعی است. سندیکا سنگری درمقابل هجوم سرمایه داری به دستاوردهای زحمتکشان است. سندیکا سازمانی طبقاتی، فراگیر، دمکراتیک است.

محدود کردن فعالیت طبقه کارگر به مطالبات صرفا اقتصادی، به کارفرمایان امکان می دهد تا سلطه سیاسی و فکری خود را بر زحمتکشان حفظ کند. بنابراین باید خاطر نشان کرد که بینش طبقاتی درباره سندیکا رشد و تقویت پیدا کرده است. شاهد این امر همانا رشد مبارزات زحمتکشان در مجموعه کشورهای سرمایه داری است. بدینسان شرایط مساعدی بیش از پیش برای وحدت زحمتکشان و سازمان های سندیکایی آنان در این ممالک فراهم می شود. بینش طبقاتی درباره سندیکالیسم به وضوح نشان میدهد که بین مبارزه برای دفاع از منافع مادی و معنوی زحمتکشان از یک سو و مبارزه برای آزادی زحمتکشان از استثمار سرمایه داری و سلطه امپریالیستی از سوی دیگر ارتباط نزدیک وجود دارد.

چرا سندیکاهای کارگری و انجمن های صنفی زحمتکشان هر روز محدودتر می شوند؟ مگر آنان جز آزادی سندیکا برای مبارزه با سارقان اقتصادی، مهاجمین فرهنگی، کار دیگری می خواهند بکنند؟ آزادی و فعالیت سندیکاها در راستای بالا بردن شعور زحمتکشان و ارتقای فرهنگ و دانش آنان است. فعالیت سندیکاها جز برای مقابله با خیانتکاران به امنیت ملی، استقلال سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، نیست و نخواهد بود. فعالیت سندیکاها برای نظارت بر هر چه اجرایی تر شدن حقوق انسانهاست. برگشت کودکان کار و خیابان به مدارس، دستمزد برابر زنان در مقابل کار مساوی با مردان، لغوهرگونه قرارداد موقت و سفیدامضا، قانون کاری در حمایت از زحمتکشان، به دست گرفتن مدیریت تامین اجتماعی توسط کارگران، اجرای مجازات برای صاحبان واحدهای تولیدی که دستمزدهای کارگرانشان را پرداخت نمی کنند، تصویب دستمزد و مستمری مطابق با تورم که بتوان با آن یک خانواده ۴ نفره را اداره کرد آنهاست توسط نمایندگان واقعی کارگران و بازنشستگان، تعطیل روز کارگر و آزادی اجتماعات کارگری، آزادی همه فعالین سندیکایی و صنفی آموزگاران، روزنامه نگاران از زندان.

آزادی فعالیت سندیکاهای کارگری ضامن عدالت اجتماعی، استقلال کشور از بیگانگان و گسترش آزادی های سیاسی، فرهنگی خواهد بود. به سندیکاهای کارگری بپیوندیم و در گسترش و قدرتمندی آن بکوشیم.

## قابل توجه شهرستانیهای محترم

به تعدادی کارگرساده - دربان- ظرف شور- آشپز- کمک آشپز- ساندویچ زن - پیتزا پز -فست فود باغذا و جای خواب با حقوق بالا نیازمندیم.

آدرس میدان انقلاب اول جمالزاده جنوبی کوچه .....

وقتی به آگهی فوق زنگ زدم، منشی مهربانی با دانستن اینکه جویای کارم مرا به مدیریت وصل کرد. آقای مدیر پس از آنکه احوال بررسی معمول انجام شد، اعلام کرد: «چون شما تهرانی هستید نمی توانیم کاری به شمارجوع کنیم، زیرا کار فقط برای شهرستانی هاست.» پس از اصرار که از اهالی هشتگرد کرج هستم و نیازمند کار، گفتم: «حقوق ماهانه ۸ میلیون تومان است.» وقتی پرسیدم آیا سر هر ماه این حقوق را دریافت خواهم کرد، گفتم: «برای جای خواب ۲ میلیون تومان، برای غذا ۱/۵ میلیون تومان، حمام ۵۰۰ هزار تومان، شستشوی لباس ۵۰۰ هزار تومان، لباس و کفش و پیراهن ۷۰۰ هزار تومان کسر شده مابقی در سر هر ماه پرداخت خواهد شد. ساعت کار از ۹ صبح تا ساعت ۹ الی ۱۰ شب است» به زبان ساده یعنی ۱۳ ساعت کار با کسر مبلغ گفته شده ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان در هرماه برای فقط شهرستانی های بی پناه که نتوانند به این حقوق و این گونه راهزنی وحشیانه اعتراض کنند.

نئولیبیرالیسم یعنی این. یعنی تمام عمر کار کن و هر وقت نتوانستی کار کنی آزادی تا بمیری.

با جهانی شدن قیمت کالاها ، باید دستمزد زحمتکشان نیز جهانی شود.



"زندگی یعنی تلاش برای بهتر شدن روابط اجتماعی و انسانی؛ زندگی یعنی مبارزه در راه زدودن رنج و اندوه هزاران ساله آدمی؛ زندگی یعنی از بین بردن آنچه شایسته نام انسان نیست و رهاندن انسان از قید بردگی و اسارت؛ زندگی، یعنی تلاش برای حذف کارهای سیاهی از نوع کار در دالان‌های خفه ی معادن طلا و ذغال سنگ و سپردن آنها به دست روبات‌ها؛ زندگی یعنی کوتاه کردن فاصله‌ها، تسلط انسان بر هوا و دریا و سیاره‌ها و حتا ستارگان دور دست؛ زندگی یعنی تلاش برای شکستن طلسم ناتوانی‌های انسان، فرو ریختن حصارها و تنگناهای انسان امروزی. . . و مگر این وظیفه بزرگ را می‌توان بدون شناخت قانون‌های حاکم بر طبیعت و جامعه انجام داد؟ و مگر بدون ریاضیات می‌توان حتا يك گام برای رسیدن به این شناخت برداشت؟"

### پرویز شهریاری

پرویز شهریاری ریاضی دان، مترجم، نویسنده، معلم ریاضیات، روزنامه‌نگار، فعال سیاسی و دانشمند طبقه کارگر، از چهره‌های ماندگار ایران در زمینه دانش و آموزش بود. این شخصیت برجسته در عرصه علم و آموزش و فرهنگ و سیاست تاریخ معاصر ایران، بیش از چهارصد جلد کتاب در زمینه‌های ریاضیات، تاریخ، فلسفه و ادبیات تألیف و ترجمه کرده و نیز بیش از هزار عنوان مقاله از او در نشریات مختلف به چاپ رسیده‌است.

«مخالفت و اردات بی رویه و نابودکننده صنعت، کشاورزی، دامداری و موافق اعمال نظارتی شدید بر بازرگانی خارجی هستیم. ما موافق گرفتن مالیات اصولی و برنامه ریزی شده از سرمایه داری انگل تجاری و قماربازان اقتصادی هستیم. ما موافق دخالت سندیکاهای کارگری و دیگر تشکل های مردمی در امر مسایل اقتصادی و اجتماعی هستیم، بخصوص در مدیریت تامین اجتماعی و اجرای کامل قانون کار و نظارت بر واحدهای تولیدی بحران زده و همچنین بکارگیری و اعمال دقیق قانون کار، ایمنی و بهداشت کار و تامین اجتماعی در واحدهای تولیدی»

### تقدیم به تلاشگران سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

در " فلزکار " ای شما زحمتکشان	افتخار ملت ما در جهان
با خبر از پیچ و تاب زندگی	تن نداده زیر بار بندگی
قهرمان در کار و اظهار نظر	زندگی را با خبر از خیر و شر
آگه از فرهنگ امروز ما	تا که دست‌آورد باشد در امان
حال برآیند در این روزگار	"باند یک درصد" شود هر جا مهار
درد با دست خرد درمان شود	زندگی بر کام هر انسان شود
غیرانسانیت در آیین تان	تنگ کردن زندگی بر مردمان

کوشش پُربارتان جاوید باد

ای شما بیگانه با فقر و فساد

علی جعفری مرندی (کارگر)

## بازگشت بردگان به اقتصاد جهانی

«سیری» با اندامی دردناک از خواب برمی‌خیزد. شب قبل او حضور جنسی ۱۸ مرد را در کنار خود تحمل کرده است. او پانزده ساله است ولی جوان‌تر نشان می‌دهد. به همین خاطر متقاضیانش افزون‌ترند. نگاه او سرد و روحش خاموش است و عملاً از چنین ارتباطاتی هیچ‌چیز عایدش نمی‌شود. حال آن که صاحب فاحشه‌خانه‌ی او را از این رهگذر نصیب و بهره فراوانی است. (تایلند)

«جلال» هفت روز هفته را از صبح سحر تا نیمه‌شب بی‌وقفه روزی ۸۰۰ لیتر آب از چاه بیرون می‌کشد و در شهر پخش می‌کند. او به هنگام بازگشت تمام درآمد حاصله را به ارباب می‌دهد و در عوض کمی برنج می‌گیرد و بسترش تنها زمین گسترده خداست. (موریتانی)

پسربچه‌ای چهار ساله به همراه عده‌ای دیگر روزانه ۱۲ ساعت ترقه‌های آتش‌بازی لای کاغذ می‌پیچد و وقتی حوادث و غبار ناشی از شلیک ترقه‌ها سرانگشتانش را می‌سوزانند، زخمش را با یک تکه زغال افروخته یا یک سیگار روشن درمان می‌کند و او بالاچار کار خود را از سر می‌گیرد. (هند)

«رونالدو» به همراه همکاران لاغر اندامش مراقب آتشبار کوره است تا بتوانند در جهنم سوزانی که در حول و حوش آن هیچ‌گونه سرپناهی نیست زغال درست کند. چرا که جنگل‌ها تماماً ویران شده‌اند و مأموران مسلح هم‌پیوسته آنها را زیر نظر دارند. او پولی که در نمی‌آورد هیچ بلکه در عوض بابت قرض و قوله‌هایی که هیچ وقت هم سیر نزولی پیدا نمی‌کنند چیزی هم می‌پردازد و تازه در صورت بیماری، قرنطینه و سپس اخراج هم می‌شود. (ماتو گروسو، برزیل)

«صبا» که اصالتن اهل مالی است، پس از سال‌ها عزلت و گوشه‌نشینی در خانه‌ی زیبایی که در آن مستخدمه‌ی تمام وقت بوده از آنجا می‌گریزد. در آن جا زن و شوهر صاحب‌خانه او را با کابل برق کتک می‌زدند و روی جراحات خون‌بار و پوست او را هم فلفل قرمز می‌مالیده‌اند. (پاریس، فرانسه)

اما این کابوس‌های شبانه و این شکنجه‌های دوردست از کدام تاریخ سر بر آورده‌اند؟ و این چنین عفریتگان و جاودان بد سرشت با چنین اعمال وحشیانه‌ای مربوط به کدام افسانه‌ی دهشت‌زای دورانند؟ نه، این نه رویاست و نه افسانه، این واقعیت امروزه‌ی ماست که هر روز هم بدتر از دیروز می‌شود و مسئول این امر هم تنها واژه زیبای «جهانی شدن» است با آن معنای تلخ‌اش. معنایی که به هیچ وجه نمی‌توان خود را در برابر آن به تغافل زد، چرا که عملن با آن درگیر است.

آری بردگی نه تنها هنوز هم موجود است بلکه به صورت یک تجارت عام هم درآمده. «کوپن‌بالز» هم مثل بقیه مردم تا همین چند سال پیش چیزی درباره آن نمی‌دانست یا بدان باور نداشت اما با نشانه‌هایی مواجه شد که وجدانش او را بر حذر می‌داشت از این که خود را در برابر آنها به بی‌خبری بزند. او به عنوان یک محقق جامعه‌شناس شروع کرد به بازرسی هزاران مؤسسه و بیش از همه به بازدید اشخاص مختلف در کشورهای مورد سوءظن پرداخت و در مواردی نادر حتّاً مجبور شد تا زندگی خود را به مخاطره بیندازد. کسی چه می‌داند که تاکنون چند تن از سردمداران قانون الغاء بردگی فقط در برزیل جان باخته‌اند؟

تقریباً همه ما از دوران تحصیل خود در مدرسه یک تاریخ را در حافظه داریم که مصادف است با لغو برده‌داری در آمریکا و پیروزی مدنیت بر توحش. یعنی سال ۱۸۶۵. آری، آن‌گونه بردگی تقریباً در همه جا پایان پذیرفته و «بالز» در مطلب شجاعانه و مستند خویش بر این نکته صحه می‌گذارد که بردگی جدید در نتیجه تجارت انسان در اقتصاد جهانی است که حاصل می‌آید که البته نوعی بردگی مدرن محسوب می‌شود و احتمالاً بسیار بدتر از آن یک. زیرا در همه جا غیرقانونی بوده، هیچ‌گونه حق مالکیتی در آن دخالت ندارد و البته منجر به آزار و اذیت انسان‌ها تا مرحله قتل و جنایت نیز می‌شود.

ولی برده‌ی امروز مثل برده دیروزین، یک سرمایه نیست که کم خرج و ارزان قیمت باشد. چرا که همواره می‌باید بهایی گران‌تر برای تصاحب آن پرداخت. او امروزه در حکم یک ماده مصرفی است.

مردم از او بهره می‌جویند و سپس دورش می‌اندازند. بی‌آن‌که کوچکترین نظر لطفی نسبت به او داشته باشند و این واژه‌ی دور انداختن به معنی آن است که چنین بردگانی رو به انحطاط و اضمحلال می‌روند.

نمیدا نم پس از مرگم چه خواهد شد؟

نمیخواهم بدانم کوزه گر از خاک اندامم چه خواهد ساخت؟

ولی بسیار مشتاقم که از خاک گلویم سوتکی سازد.

گلویم سوتکی باشد به دست کودکی گستاخ و بازیگوش-

و او یک ریز و پی در پی،

دم گرم خوشش را بر گلویم سخت بفشارد،

و خواب خفتگان خانه را آشفته تر سازد.

بدین سان بشکند در من ، سکوت مرگبارم را.

## "درد دل"

لیبرالیسم !!!؟؟

ننو لیبرالیسم !!!؟؟

ببخشید

من فقط یک کارگرم

حرفی برای گفتن ندارم

فرصتی هم برای شنیدن ندارم

فردا برای اجاره خونه

هفتصد تومن کم دارم

حسین درودی "

## پنج سوال از استفان هاوکینگ دانشمند، فیزیکدان و نظریه پرداز انفجار بزرگ.

جوابهای استفان هاوکینگ به سوال های خوانندگان مجله ی تایم (بعد از انتشار کتاب "طرح بزرگ)

س- اگر خدا وجود ندارد پس چرا باور به وجود او تقریباً جهانگیر است؟

ج- من ادعا نمی کنم که خدا وجود ندارد. خدا نامی است که مردم برای دلیل وجود ما در اینجا گذاشته اند. اما من فکر می کنم این دلیل بیشتر قوانین فیزیک است نه این که یک نفر وجود داشته باشد که بتوان با او ارتباطی شخصی برقرار کرد.

س- آیا کیهان پایانی هم دارد؟ در این صورت آنسوتر از آن پایان چیست؟

ج- مشاهدات نشانگر این است که کیهان با سرعت روزافزونی در حال گسترش است. این گسترش تا ابد ادامه خواهد داشت و کیهان خالی تر و تاریک تر خواهد شد. گرچه کیهان پایانی ندارد اما در بیگ بنگ آغازی داشته است. ممکن است کسی بپرسد قبل از آن چه بوده؟ پاسخ این است که هیچ. همانگونه که جنوبی تر از قطب جنوب جایی وجود ندارد، قبل از مه بانگ نیز جایی وجود نداشته.

س- فکر می کنید تمدن بشر آنقدر باقی خواهد ماند تا جهش به عمق فضا امکان پذیر شود؟

ج- فکر می کنم شانس خوبی داریم بقایمان آنقدر ادامه داشته باشد که منظومه شمسی را به زیر یوغ خود بکشیم. اما در منظومه شمسی هیچ جایی مناسب تر از زمین (برای زیست انسان) وجود ندارد، بنابراین این روشن نیست که اگر زمین



را تخریب کنیم بتوانیم بقایی داشته باشیم. برای بقای خود در دراز مدت باید به ستارگان دست یابیم که زمانی دراز تر خواهد خواست. بگذارید امیدوار باشیم که تا زمانی چنین دراز بقا یمان ادامه خواهد داشت.

**س- اگر می توانستی با آلبرت اینشتین حرف بزنی به او چه می گفتی؟**

ج- از او می پرسیدم چرا به (وجود) سیاه چاله ها باور نداشتی؟ معادله میدانی تئوری نسبیت او حاکی از این است که یک ستاره بزرگ یا ابری از گاز بر خود فرومی ریزد و یک سیاه چاله تشکیل می دهد. اینشتین از این امر آگاه بود اما به نوعی خود را متقاعد می کرد که همیشه چیزی مثل یک انفجار توده را از هم می پاشد و مانع ایجاد سیاهچاله می شود. اما اگر انفجاری اتفاق نیفتاد چه؟

**س- چه کشف یا پیشرفت علمی را دوست دارید در زمان حیات خود شاهد باشید؟**

ج- دلم می خواهد گداخت هسته ای یک منبع عملی تولید انرژی شود. در اینصورت از یک منبع بی پایان انرژی بدون آلودگی محیط زیست و بدون گرمایش جهانی برخوردار خواهیم بود.

**س- به باور شما بعد از مرگ چه برسر آگاهی ما می آید؟**

ج- من فکر می کنم مغز اساساً یک کامپیوتر است و آگاهی مثل یک نرم افزار کامپیوتریست. (بنابراین) وقتی کامپیوتر خاموش شود نرم افزار کار نخواهد کرد. تئوری وار می توان گفت که این نرم افزار در یک شبکه بیرنگ (نوترال) باز آفرین خواهد شد. اما این بسیار مشکل خواهد بود زیرا نیاز به تمام خاطرات یک فرد خواهد داشت.

**س- با توجه به شهرت شما به عنوان یک فیزیکدان درخشان، چه علائق معمولی ای دارید که ممکن است باعث تعجب مردم شود؟**

ج- من از همه جور موسیقی، از پاپ گرفته تا کلاسیک و اپرا لذت می برم. همچنین به مسابقات (اتومبیلرانی) فرمول یک (فورمیولا وان) همراه با پسر "تیم" علاقمندم.

س- آیا ناتوانی جسمی شما مانعی در مقابل پژوهش هایتان بوده یا به آن کمک کرده است؟

ج- اگرچه در ابتدا به بیماری موتور نوروں بسیار شوربخت بوده ام اما تقریباً در همه ی جنبه های دیگر بسیار خوش بخت بوده ام. خوش شانس من این است که زمینه کاری من در فیزیک تئوریک است که ناتوانی جسمی اثر آنچنانی در آن ندارد و بخت دیگر من آن است که کتاب هایم در جهان این چنین پرطرفدار است.

س- آیا از این که مردم انتظار دارند شما جواب تمام رمزهای (هستی) را بدانید احساس مسئولیتی بزرگ نمی کنید؟

ج- مطمئناً من جواب تمام مشکلات زندگی را نمیدانم. گرچه فیزیک و ریاضیات ممکن است به ما بگویند کیهان چگونه آغاز شد اما در پیش بینی رفتار انسانی کمک زیادی از دست آنان ساخته نیست زیرا در این جا تعداد معادلات چند مجهولی برای حل کردن بیشمار است. من در پیش بینی این که چه چیزی باعث میشود مردم، بویژه زنان، واکنش عصبی نشان دهند، نسبت به دیگران هیچ برتری ای ندارم.

س- آیا فکر می کنید زمانی خواهد رسید که مردم هر آنچه را که در حیطه فیزیک است بفهمند؟

ج- امیدوارم چنین زمانی نرسد زیرا من بیکار خواهم شد



چارلی چاپلین

instagram/ iam farzad yaqubi

یک سیب افتاد و جهان از قانون  
جاذبه باخبر شد، میلیون ها جسد  
افتاد ولی بشر معنی انسانیت را  
درک نکرد.

اشعار ناب

@Shodan Shirin Sokhan

عزیزان

فقط نگران تحصیل و آینده مالی

فرزندان خود نباشید !!!

خانه سالمندان مملو از سالخوردگانی

است که فرزندان خود را وکیل ، پزشک

، مهندس و ..... تربیت کرده اند .

نگران پرورش هوش عاطفی آنها باشید .

به فرزندانمان مهر و مهربانی ، احترام ،

از خودگذشتگی و ایثار بیاموزیم !



@Shodan Shirin Sokhan